هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و یکم ۲۰ قوس ۱۳۸۹ ٤ محرم ۱٤۳۱ – 11 December 2010

سرمقاله

توجه سازمان ملل متحد به مردم فقیر افغانستان ص۲

پیام کربلا

آزادگی و شجاعت و شهادت ص۳

استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح در سفر به قندهار:

پیام من و شورای عالی صلح، پیام تعلیمات اسلامی و پیام صلح است



استاد برهان الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح در رأس یک هیئت، روز دوشنبه ۲۲ قوس به قندهار سفر نموده و در نخستین نشست مشورتی صلح با والیان چهار ولایت حوزهٔ جنوب غرب افغانستان در شهر قندهار اشتراک نمود. استاد در اولین جلسهٔ مشورتی با مسؤولان دولتی ولایات و متنفذین حوزهٔ جنوب غرب گفت: گفتگو های صلح آغاز شده است و ابراز امیدواری نمود که بتوانیم این حرکت ملی را به نتایجی که قابل درک برای طرفین باشد، برسانیم.

استاد در کنفرانس مطبوعاتی شام همان روز به خبرنگاران گفت: در فرایند تلاش های رسیدن به صلح تماس ها با طالبان صورت گرفته و دست آورد هایی به دست آمده است، اما این تلاش ها باید وسعت بیشتر یابد.

رئیس شورای عالی صلح، از مخالفان دولت خواست که از مخالفت دست بکشند و شامل پروسهٔ ملی صلح گردند. وی گفت: پیام من و شورای عالی صلح، پیام تعلیمات اسلامی و پیام صلح است، مخالفان دولت باید از این موقع با یک روحیهٔ اسلامی استفاده نمایند.

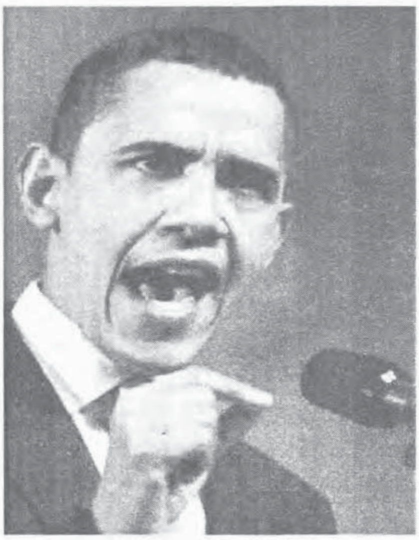
استاد در سفر به قندهار از مقامات امنیتی افغانستان نیز خواست، که اسیران جنگی مخالفان دولت را شکنجه نه نمایند. در پی فیصله های لویه جرگهٔ مشورتی صلح که ۱۲ جوزای سال روان در کابل برگزار گردیده بود و در آن حدود ۱٦۰۰ نفر از شخصیت های با نفوذ اشتراک نموده بودند، فیصله شده بود که به منظور ادامهٔ گفتگوها با مخالفان و نهادینه سازی صلح در کشور باید شورای عالی صلح ایجاد شود.

این شورای که ٦۸ نفر عضور دارد، رسماً کار خود را به تاریخ ۱۵ میزان سال روان آغاز نموده و تا کنون چندین نشست را به منظور رسیدن به صلح پایدار، راه اندازی نموده است.

ناتو و نقش احتمالی چین در افغانستان

ص۳

هفتهٔ سفر به افغانستان!









ابوبکر سبزوار

در هفتهٔ گذشته چند سفر مهم به افغانستان توجه رسانه های بین المللی را به خود جلب کرد. باراک اوباما در سفر از قبل اعلام ناشده، شنبه شب هفتهٔ گذشته سفری به بگرام داشت. فردای همان شب، یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان به منظور یک دیدار رسمی و ملاقات با مقامات افغان به کابل آمد. بعد از آن روز سه شنبه سفر غیر مترقبهٔ دیوید کامرون صدراعظم انگلستان به افغانستان صورت گرفت و همچنان رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا به افغانستان آمد.

سفر همزمان اوباما و گیلانی این تصور را به میان آورد که شاید مذاکرات سه جانبه در کابل میان روسای جمهور امریکا، افغانستان و پاکستان صورت گیرد اما به زودی مشخص شد که این سفرها رابطه یی با هم نداشته است.

سفر اوباما به افغانستان

سفر اوباما به افغانستان غیر مترقبه بود. او کمتر از چهار ساعت را در بگرام سپری کرد و با افسران و سربازان این کشور در این پایگاه ملاقات نمود با آنها عکس یادگاری گرفت. اوباما از سربازان این کشور به خاطر خدمات شان در افغانستان ابراز سپاس کرد.

هدف از این سفر دیدار از سربازان امریکایی در آستانهٔ جشن کریسمس خوانده شده اما اینکه وی چهارده ساعت رنج سفر را بر خود هموار کرد تا به افغانستان بیاید ولی با رئیس جمهور کرزی ملاقات نکرد، زمینه را برای گرم ساختن بازار شایعات مساعد ساخت. ص۲



ای که نامت، نام عم حضرت پیغمبر است ص۵

افغانستان در چنبرهٔ بحران معلولیت ص۷

*

پیشینهٔ تاریخی زبان و ادبیات عربی و دری ص۴

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپ نرسیده به هوتل کابل شاهان

شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

توجهٔ سازمان ملل متحد به مردم فقیر افغانستان

مبرهن است، باشندگان کشورهای در حال جنگ به کمبود امکانات رفاهی مواجه می باشند، و سطح اقتصاد، تعلیم و صحت در چنین کشورها در گراف پائین قرار می گیرد.

همه ساله حین رسیدن فصل زمستان، سازمان مل متحد جهانیان را به کمک و مساعدت مالی برای مردم فقیر و بی بضاعت افغانستان فرا می خواند که این کمک ها در قالب تعهد بوده، و مقدار آن پرداخته می شود. طوری که سازمان ملل متحد در سال گذشتهٔ میلادی، حدود هفتصد میلیون دالر امریکایی تعهد کمک های جهانی را برای مردم فقیر این کشور گرفته بود، اما به گفتهٔ این سازمان حدود شصت درصد آن پرداخته شد.

مقامات سازمان ملل متحد، به منظور رسانیدن کمک های بشری به مردم نیازمند کشور در سال ۲۰۱۱ میلادی، کمک ٦۷۸ میلیون دالری را به جهانیان پیشنهاد کرده است. کانترین براگ، دستیار سرمنشی سازمان ملل متحد و هماهنگ کنندهٔ امور کمک های بشر دوستانهٔ این سازمان، روز یک شنبهٔ هفتهٔ گذشته، در یک کنفرانس خبری، از جامعهٔ جهانی تقاضای فراهم آوری این پول را کرد و خواهان همکاری شان در زمینه شد.

بنا به گفتهٔ این سازمان، یک بر سه حصهٔ این کمک ها، به خاطر امنیت غذایی و زراعت به مصرف خواهد رسید. رسیدگی به بیجا شده ها و تعلیم و تربیه را نیز این مساعدت ها دانسته اند. نظر به آمار سازمان ملل متحد، هفت میلیون نفر در افغانستان زیر خط فقر قرار دارند.

جمعیت اسلامی افغانستان در حالی که از فراخوان سازمان ملل متحد در عرصهٔ کمک به مردم فقیر افغانستان استقبال می نماید، خواستار آن است تا جامعهٔ جهانی با پرداخت مساعدت های شان، مردم بی بضاعت کشورما را که در شرایط بد اقتصادی قرار دارند، دستگیری نمایند.

اما با این همه تلاش های سازمان ملل متحد، موسسات خیریه و مراجع کمک دهنده، در زندگی مردم فقیر این کشور تغییری قابل ملاحظه به نظر نمی رسد. آگاهان امور وجود گستردهٔ فساد اداری را در همه بخش ها که این بخش هم از آن مستثنا نیست می دانند.

هفتهٔ سفر به افغانستان!

ادامه از صفحهٔ اول

ارگ ریاست جمهوری اعلان داشت که پس از دیدار دو رهبر در لزبن که چند روز قبل صورت گرفت، نیازی به صحبت دوباره نبود. دلیل نیامدن اوباما به کابل نیز خرابی هوا و باد شدید خوانده شد اما در این شکی نیست که نامساعد بودن حال و هوای سیاسی و سردی روابط میان دو رئیس جمهور در این رابطه بیشتر تاثیر گذار بود.

سوال اینست که هدف اصلی از این سفر در کنار دیدار با سربازان و افسران نظامی امریکایی در افغانستان چه بود؟ به نظر می رسد که استراتژی امریکا در افغانستان به مشکل برخورده است و یکی از اهداف این سفر اوباما ملاقات با نظامیان بلند پایه از جمله جنرال پتریوس بود.

قرار است رئیس جمهور اوباما در رابطه به استراتژی امریکا در افغانستان سخنرانی یی خطاب به مردم امریکا داشته باشد و قبل از آن ادارهٔ امنیت ملی امریکا، مشکلات تطبیق این استراتژی را در عمل مورد بازنگری قرار دهد. پس لازم بود که اوباما قبل از این کارها باید دیداری با افسران خود که مستقیما درگیر جنگ در افغانستان اند می داشت.

سخنان اوباما خطاب به سربازان مستقر در بگرام نیز امکان وارد آمدن تغییر در این استراتژی را نشاندهی کرد. وی به سربازان گفت که، شما از وضع دفاعی خسته شده اید و می خواهید به عملیات تهاجمی دست بزنید.

این سخن را می توان چنین تعبیر کرد که حملات تهاجمی امریکا به خصوص حملات هوایی بیشتر خواهد شد و این کار موجب وارد آمدن تلفات بیشتر به غیرنظامیان خواهد گردید. امریکایی ها در چند ماه اخیر تعداد حملات هوایی را به شکل بی سابقه یی افزایش داده اند و هربار از کشته شدن تعداد زیادی از طالبان سخن می گویند اما مردمان محل بیشتر کشته شدگان را افراد ملکی می دانند. از آنجائی که امکان رفتن خبرنگاران مستقل به مناطق جنگی بدون اجازهٔ نیروهای خارجی وجود ندارد، پذیرفتن ادعای امریکایی ها دشوار است.

اوباما از دلاوری و شجاعت سربازان امریکایی در افغانستان ستایش کرد و آنها را قهرمان خواند. وی به سربازان گفت که شما طالبان را شکست داده و رهبران آنان را مورد حمله قرار می دهید. او گفت که به علت مشکلات اقتصادی ما مجبور شده ایم تا معاشات را در امریکا کاهش دهیم اما معاشات کسانی مانند شما که از امریکا دفاع می کنند کم نشده است. این جنگ آسان نیست و روز های سختی در پیش است. همزمان با سخنان اوباما، جیمی کارتر یکی از روسای جمهور سابق امریکا گفت که امریکا در جنگ افغانستان هیچ دست آوردی نداشته است.

اوباما بار دیگر به تعهد درازمدت امریکا در افغانستان اشاره نموده و گفت که کشورش اجازه نخواهد داد تا افغانستان بار دیگر به محل امنی برای تروریست ها و دشمنان امریکا مبدل گردد. اما در عین حال از آغاز خروج نیروهای کشورش از سال ۲۰۱۱ اشاره نمود.

هرچند اوباما با اعلام اینکه امریکا در جنگ علیه طالبان در افغانستان پیروز گردیده است، خواست از استراتژی خود در مورد افغانستان دفاع نماید اما ناگفته پیداست که چنین سخنانی بیشتر به منظور روحیه دادن به سربازان کاربرد دارد درحالی که در عمل این استراتژی کارائی لازم را نداشت. کنار نهاده شدن جنرال مک کریستال یکی از ابعاد مشکل جنگ در افغانستان را به نمایش گذاشت و با آمدن جنرال پتریوس، نیروهای امریکایی به عملات تهاجمی بیشتر دست زدند و به این ترتیب تلفات نیروهای امریکایی بلند رفت.

سخنان اوباما در جمع سربازان این کشور در بگرام نشان داد که امریکایی ها هنوز هم به گزینهٔ جنگ به عنوان یک راه حل در معضلهٔ افغانستان نگاه می کنند و این خود در تضاد با تلاش های حکومت افغانستان برای صلح با مخالفین است.

سفر صدراعظم پاکستان به کابل

اما سفر یوسف رضا گیلانی به کابل نیز دارای ابعاد قابل توجه بود. وی نه تنها با رئیس جمهور کرزی ملاقات کرد بلکه دیدار وی با استاد برهان الدین ربانی، مارشال فهیم و محمد یونس قانونی هم بسیار مهم بود. این ملاقات ها را اگر در رابطه با آغاز بازسازی سفارت پاکستان در کابل مورد توجه قرار دهیم می توان از آن نوعی تلاش در جهت تفاهم با دشمنان سابق را ملاحظه کرد. سفارت پاکستان در کارتهٔ پروان در زمان حکومت مجاهدین در نتیجهٔ خشم وغضب هواداران حکومت بعد از سقوط هرات به دست طالبان مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد. در آن جریان یک تن از کارمندان سفارت کشته و عده یی دیگر زخمی شدند.

یوسف رضا گیلانی در این سفر به حکومت افغانستان و تجار این کشور وعده داد تا قرارداد جدید ترانزیتی میان دو کشور را عملی سازد. این قرارداد در پاکستان به مخالفت های زیاد مواجه است به خصوص اینکه اکنون افغانستان از طریق بندر واگه به بازار هندوستان مستقیما رابطه خواهد داشت و موترهای باربری افغانستان می توانند به واگه رفت و آمد کنند. این قرارداد در داخل پاکستان به مخالفت های زیاد مواجه شده و به خصوص اتحادیهٔ ترانسپورت های پاکستان این قرار داد را به ضرر خود می دانند.

رئیس جمهور کرزی در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با گیلانی به بهبود روابط میان دو کشور اشاره کرد و عجیب اینکه، اسناد منتشر شده توسط ویکی لیکس را عاملی در نزدیک شدن روابط میان دو کشور بهتر خواند. در اسناد منتشر شده از طرف ویکی لیکس، سازمان استخبارات نظامی پاکستان به تجهیز مخالفین مسلح دولت افغانستان و حملات انتحاری در کابل متهم شده است.

سفر دیوید کامرون به افغانستان

صدراعظم انگلستان روز سه شنبه ۱۶ قوس به ولایت هلمند رفت و از آنجا به کابل آمد. وی در هلمند سربازان بریتانوی مستقر در آنجا دیدار نمود و سپس غرض دیدار با رئیس جمهور و سایر مقامات دولتی افغان عازم کابل شد.

این سفر بعد از آن صورت می گیرد که ویکی لیکس فاش ساخت که مقامات افغان از عملکرد نیروهای بریتانوی در هلمند راضی نبودند و از امریکایی ها خواستار اعزام نیروی نظامی به هلمند شده بودند تا جانشین نیروهای انگلیسی در هلمند شود. کاری که اکنون صورت گرفته و مقامات محلی در هلمند از بهبود اوضاع بعد از استقرار نیروهای امریکایی خبر داده اند.

در این اسناد آمده است که مقامات افغان نه تنها حضور نیروهای انگلیسی را در ثبات اوضاع و تامین امنیت در هلمند موثر ندانسته بودند بلکه این نیروها را در ناامن ساختن بیشتر اوضاع مقصر می دانند.

صدراعظم بریتانیا گفت که در آن زمان نیروی کافی و تجهیزات لازم در اختیار نیروهای شان قرار نداشت اما به نظر نمی رسد که دلیل فقط کمبود نیرو بود بلکه از همان زمان سخنانی در مورد اختلاف میان امریکا و انگلیس بر سر استراتژی جدید اوباما در افغانستان شنیده می شد. استعفای شیرارد کوپر کول نمایندهٔ خاص بریتانیا برای افغانستان و پاکستان نیز به خاطر این بود که وی از استراتژی جنگ در افغانستان راضی نبود هرچند هم انگلیس ها و هم امریکایی ها تلاش نمودند این مسئله را پنهان کنند.

کامرون در حالی که از پیروزی در جنگ و بهبود وضع امنیتی در افغانستان به صورت محتاطانه ابراز خوشبینی نمود، از آغاز خروج نیروهای کشورش از سال ۲۰۱۱ از افغانستان خبر داد. وی به صورت ضمنی به این نکته اشاره نمود که تعهد انگلستان به افغانستان طویل المدت خواهد بود.

در این اواخر رسوایی دیگری هم در رابطه با انگلستان در افغانستان توجه زیادی را به خود جلب نمود. مقامات انگلیسی کسی را به عنوان یک رهبر طالبان به کابل آورد تا با رئیس جمهور کرزی در مورد صلح مذاکره نماید. این شخص که گفته می شد ملا اختر محمد منصور است بعد از گرفتن مبلغ هنگفتی پول غایب شد و اکنون مشخص شده که وی هیچ رابطه یی با طالبان نداشته و یک شیاد بوده است. این مسئله هم یکبار دیگر نقش انگلستان در جنگ و صلح در افغانستان را زیر سوال برده است.

سفر وزیر دفاع امریکا به کابل

وزیر دفاع امریکا رابرت گیتس نیز به منظور دیدار با سربازان کشورش و ملاقات با فرماندهان نظامی این کشور به افغانستان آمد. وی نیز مانند اوباما به بگرام رفت و فرارسیدن جشن کریسمس را به آنان از قبل تبریک گفت. ملاقات وی با جنرال دیوید پتریوس و معاونین وی در رابطه با استراتژی جنگ در افغانستان متمرکز بود. این استراتژی که بیشتر بر عملیات تهاجمی تمرکز دارد، همین اکنون مورد بازنگری قرار دارد تا نقاط قوت و ضعف آن به بررسی گرفته شده و تغییرات لازم مطابق به شرایط میدان جنگ در آن رونما گردد. گیتس قبل از آمدن به افغانستان، از نیروهای بحری کشورش در بحیرهٔ عرب دیدن نمود و با فرماندهان نظامی در مورد جنگ افغانستان صحبت کرد.

گیتس در سفر به افغانستان راهی ولایت کنر شد و با سربازان امریکایی در آنجا دیدار کرد. وی وضع در شرق افغانستان را دشوار خواند و در خطاب به سربازان کشورش حرف های اوباما را در مورد روز های دشوار آینده تکرار کرد.

گیتس گروه حقانی و سایر گروه هایی را که با القاعده پیوند دارند خطرناک توصیف کرد که از پاکستان به افغانستان مردان جنگی و جنگ افزار به افغانستان می آورند.

هنوز به آغاز جشن کریسمس چند روزی باقیست و حتما این سفرهای غیرمنتظره ادامه خواهد یافت و بازهم شخصیت های مهم بین المللی طبق روال معمول همه ساله، غرض دیدار با سربازان شان به افغانستان خواهند آمد.

ناتو و نقش احتمالی چین در افغانستان



وحید مژده

زمانی که امریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان نیرو فرستاد تا طالبان را سرنگون سازد، هرگز گمان نداشت که افغانستان دردسری چنین بزرگ برای امریکا و ناتو باشد. به همین دلیل امریکا نیازی به کمک کشورهای دیگر احساس نمی کرد و فقط به حضور سمبولیک آنان در چهارچوب آیساف اکتفا کرد تا نشانی از اجماع بین المللی برای تائید این اقدام امریکا در افغانستان باشد. اما اکنون به نظر می رسد که ماموریت افغانستان دشوارتر از آنست که امریکا پیشبینی کرده بود. علاقمندی به دخالت روسیه در افغانستان توسط امریکا و به دنبال آن اشاراتی مبنی بر نقش احتمالی چین در تامین امنیت در افغانستان نشانی از تحولات جدیدی در اوضاع دارد.

چندی قبل فوگ راسموسن سرمنشی سازمان ناتو طی سخنانی به نقش احتمالی چین در تامین صلح و ثبات در افغانستان اشاره کرد. این سخنان نشان از نزدیک تر شدن رابطه میان ناتو و چین دارد. از آنجائی که چین کشور همسایهٔ افغانستان است ولی تاکنون به قضیهٔ افغانستان فقط از دید اقتصادی نگریسته است، شاید این موقف چین به عنوان یک قدرت بزرگ در این منطقه، با توجه به دشواری های جنگ افغانستان، برای ناتو زیاد خوش آیند نباشد.

در اسناد افشا شده توسط ویکی لیکس در مورد رابطهٔ چین و دو کوریا به سندی برمی خوریم که همسوئی نظر چین با امریکا را نشان می دهد. در این سند از قول یک دیپلومات کوریای جنوبی آمده است که، چین از الحاق مجدد دو کوریا تحت رهبری کوریای جنوبی حمایت می کند. از قول مقامات چینی در رابطه با کوریای شمالی نقل شده که این کشور برای جلب توجه امریکا مانند یک طفل نازپرورده عمل می کند.

این نارضایتی چین از کوریای شمالی می تواند مورد توجه امریکا باشد که در دوران جنگ کوریا این کشور را به دو پارچه تقسیم کرد. اکنون دوران جنگ سرد میان امریکا و شوروی بسر آمده و چین نیز دیگر علاقه یی به میراث ایدئولوژیک مائو در عرصهٔ دیپلوماسی در جهان ندارد. چین یک تاجر است و هر تصمیمی را با میزان نفع مادی و تجاری می سنجد.

هرچند مقامات چین به صورت رسمی تغییر در سیاست خویش در قبال کوریای شمالی را اعلام ننموده اند و در سطح بین المللی نیز چینی ها بیشتر علاقمند به توسعهٔ تجارت اند اما با حضور امریکا و ناتو در افغانستان و با فعالتر شدن روس ها در عرصهٔ بین المللی و نزدیکی روابط میان امریکا و هند و نیز با توسعهٔ تجارت هند با کشورهای دیگر که می تواند بازار های امتعهٔ چین را در جهان مورد تهدید قرار دهد، به نظر می رسد که چین درصدد است تا با ایفای نقش فعالتر در حل بحران های جهانی، نقش سیاسی خود را همپا با موقعیت اقتصادی خود در عرصهٔ بین المللی توسعه بخشد.

سخنان سرمنشی ناتو در مورد اینکه چین می تواند در تامین صلح و ثبات در افغانستان دارای نقش و اثر باشد بعد از آن صورت می گیرد که ناتو در بدل همکاری روسیه در انتقال مواد و جنگ افزارهای ناتو به افغانستان، به این کشور نقش فعالتری در امور افغانستان داده است.

از قول مقامات چینی گفته شده که این کشور در ایفای هرگونه نقشی در افغانستان با پاکستان مشورت خواهد کرد. در کشمکش های منطقوی چین در گذشته به خصوص با هندوستان، پاکستان متحد بیجنگ بوده و با این کشور رابطهٔ حسنه داشته است.

چین به عنوان یک قدرت منطقوی هم از نظر اقتصادی و هم نظامی می تواند نقش خوبی در حل منازعات منطقه بازی نماید. این کشور در دوران جهاد علیه اتحاد شوروی از مردم افغانستان به شیوهٔ چینی حمایت کرد. به این معنی، در حالی که بخش بزرگی از سلاح های سبک و نیمه سنگین مجاهدین ساخت چین بود، این کشور نمی خواست به عنوان مدافع مهم مجاهدین شناخته شود. البته چین قیمت سلاح های ارسالی به مجاهدین را از امریکا و کشور های عرب دریافت می کرد.

در دوران حاکمیت طالبان، هیئت هایی از چنین به افغانستان آمد و حتی با شخص ملا محمد عمر در قندهار مذاکره نمود. چین می خواست طالبان از حمایت جنگجویان ایغور دست بردارد. در آن زمان تعدادی از این جنگجویان در افغانستان آموزش دیدند. پس چین از بازگشت طالبان به قدرت می تواند نگران باشد و این فرصت خوبی برای ناتوست تا چین را به توجه بیشتر به مسایل افغانستان تشویق نماید.

چین به عنوان یک قدرت اقتصادی در این منطقه از این نکته به خوبی آگاهست که افغانستان سرزمینی با منابع طبیعی دست نخورده است و این چیزی است که چینی های تجارت پیشه را وسوسه خواهد کرد. همین اکنون بزرگترین قرارداد را حکومت افغانستان با یک کمپنی چینی در مورد استخراج یکی از بزرگترین معادن مس در جهان یعنی، معدن مس عینک امضا کرده است.

کشوری که خواهان سرمایه گذاری در افغانستان است، بدون تردید علاقمند صلح است. درحالی که چینی ها به خوبی می دانند تا زمانی که منافع ملی پاکستان با صلح در افغانستان درتضاد باشد، تامین امنیت در افغانستان دشوار خواهد بود، اما با توجه به رابطهٔ خوب میان چین و پاکستان، این احتمال که چین بتواند نقشی برای ایجاد توازن و تعادل میان نفوذ هند و منافع پاکستان در افغانستان ایفا نماید برای پاکستان نیز می تواند قابل قبول باشد.

در رابطه با ناامنی ها در افغانستان از مدت ها قبل این مسئله مطرح بوده که این مشکل یک مشکل صرفا ملی و محدود در مرزهای جغرافیائی افغانستان نیست بلکه ابعادی در سطح منطقه و حتی جهان دارد. این مسئله نیز موجب می شود تا نقش کشورهای منطقه از جمله چین در ایجاد صلح در افغانستان مهم تلقی شود.

امریکا بعد از سقوط رژیم داکتر نجیب الله، کنترل افغانستان را به پاکستان سپرد. بعد از واقعهٔ یازدهم سپتامبر موقعی که امریکا به افغانستان حمله ور شد، مغرورانه گمان می کرد که به تنهائی مشکل افغانستان را حل خواهد کرد. اکنون پس از حدود ده سال جنگ و مصرف صدها میلیارد دالر به نظر می رسد که امریکایی ها از پیروزی قاطع در این جنگ مایوس اند. امریکا که بعد از یازدهم سپتامبر، کشورهای منطقه حتی پاکستان را نیز در حل مشکل افغانستان در محاسبه نمی آورد و حتی اعتراف به این حقیقت را که پاکستان در امور داخلی افغانستان مداخله می کند، شایان شان خود نمی دانست و آنرا تبارز ناتوانی خود تلقی می کرد، اکنون رو به سوی کشورهای منطقه آورده و از آنها خواستار کمک است. هرچند اعلام آغاز خروج نیروهای امریکایی در سال ۲۰۱۴ می تواند مایهٔ نگرانی خیلی ها در افغانستان باشد اما به نظر نمی رسد که امریکا افغانستان را در همان شرایطی ترک کند که نیروهای اتحاد شوروی ترک کردند. تجربهٔ تلخ گذشته به آنها آموخته است که رها کردن این کشور در شرایطی که جنگ در آن جریان دارد، بسیار خطرناک است حتی اگر در ظاهر نیروهای مسلح این کشور توان دفاع مستقلانه را داشته باشند این دفاع مستقلانه زیاد دوام نخواهد کرد.

این نکته نیز واضح است که پروژهٔ افغانستان به تنهائی به پاکستان نیز سپرده نخواهد شد. تحولات اوضاع می رساند که امریکا از پیروزی از راه نظامی در افغانستان مایوس است. این ناتوانی گزینهٔ دیگری را فراروی امریکا قرار می دهد و آن راه تفاهم با مخالفین حکومت افغانستان در آینده است. در حالی که امریکا از یکطرف از دوام جنگ و شکست کامل طالبان سخن می گوید اما در عین حال از همین اکنون در صدد است تا یک اجماع منطقوی را برای دوام صلح و ثبات در افغانستان به میان آورد که در آن کشورهایی چون چین، روسیه، هند و پاکستان سهم داشته باشند.

اما فرق چین با روسیه در اینست که چینی ها با توجه به اهداف شان برای سرمایه گذاری بیشتر در افغانستان و با توجه به حساسیت مردم افغانستان، هرگز درصدد بر نخواهند آمد تا اشتباه روس ها و امریکایی ها را تکرار کنند و نیروی نظامی به افغانستان اعزام دارند هرچند روس ها هم در ظاهر می گویند که دیگر در افغانستان سرباز نخواهند فرستاد.

اما نکته یی که در این معادله مجهول است نقش ایران است. شاید امریکا به این باور است که درصورت ایجاد چنین اجماعی منهای ایران، این کشور از یک گروه سنی افراطی مانند طالبان در افغانستان حمایت نخواهد کرد زیرا اکثریت شیعیان افغانستان صادقانه از حضور امریکا در افغانستان حمایت می کنند و این حضور را به نفع خود می دانند. پس ایران خواهی نخواهی با این قافله همراه است و نیازی به جلب حمایت آنکشور در طرح صلح در افغانستان نیست. به عبارهٔ دیگر ایران منافعی را که در افغانستان در نظر داشت به دست آورده است.

اما باید به این نکته توجه کرد که معضلهٔ افغانستان چنان پیچیده و پر چالش است که گاهی سیر تحولات در آن خلاف پیشبینی به ظهور می رسد و پیاده کردن هر طرح در عمل را نباید به اندازهٔ پیاده کردن آن بروی کاغذ ساده تلقی نمود.

این نکته هم قابل دقت است که چین در مورد اهداف امریکا در این منطقه از جهان نگرانی دارد. دعوت از چین توسط ناتو را می توان نوعی تلاش در جهت کاهش این نگرانی تلقی کرد و شکی وجود ندارد که چین به عنوان یک قدرت اقتصادی بزرگ در این منطقه که خواهان یافتن منابع مواد خام و بازارهای مطمئن برای فروش مواد تولیدی خود است و به همین دلیل نفع خود را در صلح و کاهش تشنج می بیند.

پیام کربلا

آزادگی و شجاعت و شهادت

احمد فواد

موج خون او چمن ایجاد کرد
تا قیامت قطع استبداد کرد

اندیشه اصلاح و ساماندهی بی سروسامانی ها و شیرازه بندی از هم گسیختگی های جوامع انسانی یکی از آیات و بنیان زیور زندگی است که در ژرفای تاریخ ریشه های آن فرو رفته و هر جا که خود کامگی افراد و گروه ها، به پاره پاره کردن اوراق دفتر زندگی بشری دست می یازد و به حکم سنت ها تاریخ حاکم بر جوامع باید ضمیر های بیدار به پاخیزند و فریاد عدل و داد را بر ضد بیداد گری ها و ناروائی ها طنین انداز نمایند.

و اما این فکر سازندگی و اندیشه اصلاح گستری در چمن زار آموزه های دینی لاله گلی است جوانه زده از اعماق معرفت دین که اسلام هم به عنوان آخرین پیام رسان، زمزمهٔ جان نواز اصلاح و داد و عدل و قطع ریشه های ظلم و استبداد را به آواز رسا در گوش همه جهانیان زمزمه کرده و به زبان راستین پیام آور خویش مژده داد که در آغاز هر سده احیا گر و مجددی خواهد رسید که دین را تجدید و خرافه زدایی نماید و آن را با چهرهٔ اصلی اش به نمایش گذارد.

قیام و خیزیش امام حسین نخستین تک سوار جنبش احیا گری و غبار زدایی از چهره آئینی است که نیای بزرگوار او به عنوان پیام آور عدل و قسط به جوامع محکوم در پهنه تاریخ می باشد.

بدون شک بیدادی جرثومه های فساد، زمانی جوامع انسانی را به نابودی تهدید می نماید که رهبری ها دچار فساد گردند که یقیناً در چنین حالتی به حکم "الناس علی دین ملوکهم" وبای فساد به همه جامعه نشر می نماید و تگرگ آن سر تا سر باغ را در هم می کوبد و افزون بر آن مبارزه میان خیر و شر هم آیتی است از آیات کتاب هستی داغ بوده و بر بنیاد همین سنت افرینش است که پیامبر اکرم هنگام خطاب به حضرت علی می گوید "اگر توسط تو فردی هدایت و رهیاب گردد، مزد آن از همه شتران سرخ موی عرب برای تو بهتر است"

آری بر بنیاد چنین باور هایی است که بعد از بر قراری ملوکیت که به تعبیر اقبال "ملوکیت همه مکر است و نیرنگ" و گسیخته شدن رشته خلافت که باز هم به تعبیر وی "خلافت حفظ ناموس الهی است" جامعه اسلامی دچار و بایی استبداد گردیده و پیام آزادی وآزادگی، عدل و داد اسلام توسط خود کامگان چون یزید و یزیدیان به چالش گرفته می شود و سیه ابرهای زورگویی و قلدری بر آسمان صاف، صاف و اخلاص جامعه نو پای اسلامی چهره می شود، و به گفته اقبال:

چون خلافت رشته از قرآن گسیخت
حریت را زهر اندر کام ریخت

بلی! چنین وضعی حضرت امام حسین در برابر دشمنان لا تعد و لا تحصی با وصف آن که می داند پایان کار زار او شهادت است، با این شعار که "هیهات منالذ له" به رهروان راه عزت و آزادگی درس شهامت و شجاعت می دهد و رمز آموز سپاهیان مکتب توحید می شود.

رمز قرآن از حسین آموختم
ز آتش او شعله ها اندوختم

چنین ظلم ستیزی امام حسین پیامی دارد پس عزت آور و زندگی ساز که ملت مجاهد افغانستان با الهام از آن در برابر بیراهگی های زمام داران فاسد و عدم پاسخگویی آنان به خواست توده های با شعار تکبیر این سرزمین و فساد و انحراف حکومت های دست نشانده و استفاده های ناروای آن ها از دین به خاطر مشروعیت بخشیدن به اقتدار خویش، در برابر استعمار انگلیس و تجاوز اتحاد شوروی متوفی و مزدورانش و مزدوران پرورش یافته دامان توطیه پرورش یافته دامان توطیه های منطقه ای و بین المللی یعنی گروه مزدور طالب، به جهاد و مقاومت به پا خواستند و مردانه رزمیدند.

رهرو آن مکتب اسلام عزت شعار و راه حسین شهادت شعار را به اخلاف و آیندگاه این ملت مجاهد در صفحات تاریخ این سرزمین به خط درشت ثبت نمودند.

پیشینهٔ تاریخی زبان و ادبیات عربی و دری

تکساری

میـزان دادوسـتد فرهنگـی، ادبـی وزبـانی میـان دوفرهنـگ بـزرگ دنیـا، یعنـی زبـان وادب عربـی وزبـان وادب دری، ریـشه در تـاریخ دوسـرزمین عـرب، خراسـان وپارسـی قـدیم دارد؛ طوریکه می دانیم ایـن ریـشه هـا بـه دوران قبـل از اسـلام برمـی گـردد. هـیچ زبـانی در تـداوم فعالیت هـای علمـی – فرهنگـی خـویش بـه انـدازه زبـان در و فارسـی تـاثیر متقابـل نداشـته است . زبـان فارسـی دری بعـد از زبـان عربـی ، بزرگتـرین وسـیله انـتشار دیـن مبـین اسـلام مـی باشـد؛ جنانکـه دیـن اسـلام در شـبه قـاره هنـد، توسـط سـلطان محمود غزنوی ، بـه همـین زبـان راه یافته اسـت وایـن زبـان قـرن هـا زبـان علـم، فلسفه وحکمـت در هنـد بـوده اسـت؛ بـی مـورد نیـست کـه زبـان فارسـی دری نـزد مـسلمانان جهـان بعـد از زبان عربـی مقـام ومنزلـت زبـان دوم اسلام را احـراز نمـوده اسـت . تحقیـق وبررسـی میـان ایـن دو زبـان وتقابـل تـاریخی آن از مـوارد دلچـسپ تحقیـق محسوب مـی شـود. در خـصوص واژه هـای دخیـل فارسـی دری بـر عربـی ، فرهنـگ ومـوارد تمدنی خراسـانی قـدیم تحقیقـات ارزشـمند از سـوی دانـشمندان در دنیـا صـورت گرفتـه اسـت ، کـه به برخی از ایـن تحقیقـات اشـاره می شود:

المعـرب مـن الکـلام الاعجمـی: ایـن نخـستین کتـابی اسـت کـه در زمینـه ورود واژه هـای فارسـی ازسـوی ابومنصور موهـوب بـن احمـد بـن محمـد الخـضر الاهـوازی معـروف بـه الجـوالیقی تحقیـق گردیـده اسـت. در ایـن کتـاب پیرامـون واژه هـای فارسـی کـه به زبان عربـی راه یافتـه ، بحـث گردیـده اسـت. جـوالیقی از مفکـرین قـرن ششم هجـری اسـت وکتـاب المعـرب مـن الکـلام الاعجمـی را در سـال ۵۹۴ هجـری بـه پایـان رسـانیده است . ایـن کتـاب شـامل ۷۰۰ کلمه می باشـد کـه اکثریـت واژه هـای ایـن کتـاب فارسـی اسـت ونخـستین کتـاب معتبـری اسـت کـه در خـصوص کلمـات دخیـل فارسـی دری بـه عربـی تحقیـق شده است.

شفاء الغلیل: شیخ الاسـلام شـهاب الـدین احمـدالخفاجی الکوفی که در قـرن یـازدهم مـی زیـست ، بـه تـالیف ایـن کتـاب پرداختـه اسـت . ایـن کتـاب اخـتلاف چنـدانی بـا کتـاب جـوالیقی نـدارد ؛ امـا آنچـه در ایـن کتـاب بـا ارزش تلقـی مـی شـود ایـن اسـت کـه برخـی از مفردات وکلمـات عامیانـه کـه در عهـد عباسـیان از زبـان فارسـی دری بـه عربی راه یافتـه اسـت ، در ایـن کتـاب گنجانیـده شـده است.

الالفـاظ الفارسـیهٔ المعربـهٔ: ایـن کتـاب را ادی شـیر رئـیس اسـقف هـای کلیسای کلـدانی در سـال ۱۹۸۰ م در بیـروت بـه چـاپ رسـانیده اسـت. اکثریـت محتویـات ایـن کتـاب از دو کتـاب متـذکره گرفته شده است.

تفـسیرالالفاظ الدخیلـهٔ فی اللغهٔ العربیـهٔ: ایـن کتـاب به وسیله عنیـسی طـوبی تـالیف گردیـده وریـشه کلمـات در ایـن کتـاب بـه بررسـی گرفتـه شـده است. ایـن کتـاب در سـال ۱۹۳۲ م در قـاهره بـه چـاپ رسـیده است.

کتـاب (المفـصل فـی الالفـاظ الفارسـیهٔ المعربـهٔ فـی الـشعر الجـاهلی والقـرآن الکـریم والحـدیث النبـوی والـشعرالاموی) را صـلاح الـدین المنجـد تحقیـق نمـوده ودر سـال ۱۹۷۸ م از سـوی بنیـاد فرهنـگ ایـران بـه چـاپ رسـیده اسـت ، کـه کتـاب مـذکور در نـوع خـود بهتـرین تحقیـق مـی باشـد. ایـن کتـاب نیـز در اصـول تحقیـق خـویش از جـوالیقی وادی شـیر بیشترمتاثرمی باشد.

واژه هـای فارسـی در زبـان عربـی : ایـن کتـاب بـا ارزش را محمـدعلی شوشـتری در سـال ۱۹۶۸ م تـالیف نمـوده اسـت کـه شـامل ۲۸۰۰ کلمـه می باشـد وبزرگتـرین تحقیـق در خـصوص واژه هـای فارسـی دری برعربـی در تحقیقـات سـالهای پـسین محـسوب مـی شـود. در معـرب الجـوالیقی واژه هایی که در عهـد عباسـی داخـل زبـان عربـی گردیـده اسـت شـامل کتـاب نگردیـده ودر برخـی مـوارد کلمـات فارسـی دری را از غیـر آن تمییـز نـداده است که نتیجـه ایـن اشـتباهات ، عـدم آگـاهی دقیـق جـوالیقی از زبـان فارسـی دری را نـشان مـی دهد ، تـا اینکـه فیـروز آبـادی در قـاموس محـیط خـویش آن را تـصحیح نمـوده اسـت. سلـسله تحقیقـات و پـژوهش پیرامـون واژه هـای دخیـل فارسـی ـ دری همچنان در حـوزه ادبیـات عربـی وفارسـی دری ادامـه داشـته اسـت، کـه در ایـن زمینـه مـی تـوان از: دکتـور بـراون ، احمـد امـین دانـشمند مـصری، فرشـید ورد ، مجتبـی مینـوی ، طـه نـدا وسـائرین نـام بـرد کـه مرجـع تقلیـد همـه آنهـا همـان کتـاب های نخستین بوده است.

جستارهایی ازسرگذشت تاریخی خراسانیها وعرب:

جزیـرهٔ العـرب بـین دو تمـدن بـزرگ دنیـا ؛ یعنـی آریانـا در شـرق وروم در غـرب قـرار داشته اسـت. بـین اعـراب وایـن دو تمـدن بـزرگ از گذشـته هـای دور چنـین پیونـد هـایی وجود داشته اسـت . پیونـد اقـوام مختلف عـرب باخراسـانی هـا از نـوادر بـشری محـسوب مـی شود. این پیونـد وروابـط از قـرن شـشم ق م آغـاز وتـا دولـت ساسـانی کـم وبـیش ادامـه داشته اسـت کـه بـاظهور اسـلام در شـبه جزیـرهٔ العـرب فـصل تازه از ایـن روابـط ادبـی وزبـانی ، تمـدنی وفرهنگـی ، سیاسـی وتجـارتی میـان ایـن دو سـرزمین شـکل مـی گیـرد. اسـناد وشـواهد تـاریخی نـشان مـی دهـد کـه تمـدن خراسـان وفرس قـدیم قبـل از اسـلام در میـان اعـراب حـضورتاریخی پیدا کرده بـود. دلیـل ایـن همـه نفوذ میان ایـن دو حـوزه تمـدنی وفرهنگـی جهـان ، بـر درخـشندگی تمـدن ایـن سرزمین بـر مـی گـردد. گذشـته هـای چنـد هـزار سـاله در امـور اجتمـاعی ، تجـارتی وسیاسـی آریایی هـا ومتغیـر هـای حیـات مـدنی ایـن سـرزمین بـا اعـراب می باشد.

بررسی مظاهر ادبی و زبانی خراسانی در حیات مدنی عرب:

انتقـال مظـاهر فرهنگـی ، تمـدنی ، زبـان وادب خراسـانی در دنیـای عـرب در دوره ، نـسبت بـه دوره هـای دیگـر بیـشتر صـورت گرفتـه اسـت . یکـی از ایـن دو دوره را عـصر ساسـانی ، بـه ویـژه پادشـاهی خـسرو اول ودوره دیگـر آن را عهد اسلامی تـشکیل مـی دهـد. در نتیجه ایـن گـستردگی روابـط ، افکـار ، عقایـد و واژه هـای تمـدنی کـه بیـانگر حیـات مـدنی ایـن سـرزمین مـی باشـد ، بـه زبـان عربـی راه یافتـه اسـت ونظام سیاسی جدیـد عربـی بـه یـک چنـین داد وسـتد فرهنگـی ومدنی نیاز احـساس مـی نمـود . در گـام نخـست تمـدن خراسـانی وپارسی شاخص هـای مهـم خـود را در عرصـه هـا؛ چـون، دیـوان داری ، مـدیریت ، برنامـه ریـزی، صـنعت ، زراعـت ، آیـین جنـگ داری ، پزشـکی ، معمـاری و آنچـه مربـوط بـه حیـات مـدنی مـی گردیـد در دنیـای عـرب انتقال داد. در ایـن بحـث مظـاهر انتقـال ادبـی وزبـانی خراسـانی هارا بـه سـرزمین هـای عـرب در دومقطع: (قبـل از اسـلام وبعـد از اسلام) به بررسی می گیریم.

ادامه دارد

استاد محمدامین متین اندخویی تاریخ وفات عالم متبحر، محقق ژرف اندیش، شاعر و نویسندهٔ توانای کشور، مرحوم مولوی محمدحنیف بلخی را به نظم درآورده، که تقدیم می گردد:

قطعه

چو ناخن می زدم دوشینه شب شیرازهٔ جانرا
نوای درد زا آمد به گوش ازصوت شهنازش
به جای اشک ترخون می چکد ازنوک مژگانم
نگه گم کرده بود ازجوش گریه راه پروازش
مهین مرد سخن پرور حنیف آن فاضل دانا
ادب را گنج حکمت بود طبع نکته پردازش
به مضمون آفرینی کلک شکرباراو نازم
که بنموده است درشیرین بیانی بس سرافرازش
زبس پرورده درباغ ادب گل های معنی را
کند نظاره دل ازشوق سوی گلشن رازش
معانی را مجال رم نبود ازآستین فکر
چومی شد درتخیل رو به رو با ذهن گلبازش
به روی برگه نسزوسمن می ریخت مشک تر
رقم می زد چو جیم زلف را انگشت ممتازش
چنو هرکس که بخشد زینت شایسته برافکار
صبا آرد هدایای بهشتی بهر اعزازش
بود فرزانه را ساز سخن درکنج خاموشی
توان بشنید ازیک پردهٔ گفتار آوازش
چوبانک ارجعی بشنید او ازعالم عقبی
پرجولان به سوی قرب حق بکشود شهبازش
زمان فوت جستم ازسرنجوا صدا آمد
"چراغ دین ودنیا" بود افکارفلکتازش

۱۳۸۹ هجری – شمسی

صلحې

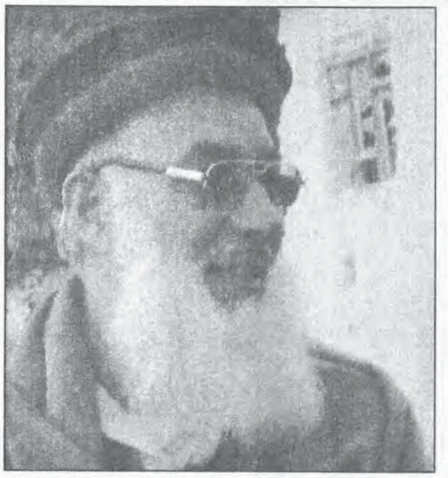
غلام نبی صادقیار

صلح سکون دی تمدن دی د وحدت لاره ده
هر مسلمان ته د ورورۍ او عدالت لاره ده
صلح هر فرد ته د داډمن امنیت زیری راوړی
دا هر بشرته د ریښتوني ضرورت لاره ده
جنګ نفرتونه خوراوی وطن په اور سوځوی
ډیری نا خوالی زیږاوی دا د نفرت لاره ده
راځی د صلحی اقدام وکړو سره وروڼه به شو
خالق ته خوښه د اخلاقوانسانیت لاره ده
قرآن خو وائي چه یونفس وژل جهان وژل دی
ژغورل ئي هم داسي ښکاره د حقیقت لاره ده
اسلام د امن خو اخلاقو او د عدل دین دي
موږ ته منونکی نو بیا ولی د رشوت لاره ده
لږ یقین جوړ کړه مسلمانه بدی چاری پریږده
موږ ته راتلونکی سوال ځواب د قیامت لاره ده
نورخوراول ټنګول مه کړه تقوي دار واوسی
اي صادقیاده موږ ته ښه د اسلامیت لاره ده

در رثای استاد محمد عباس مشفق

ای که نامت نام عم حضرت پیغمبر است

محمد نسیم فقیری



هفته ها گذشت و دست را یارای گرفتن قلم نبود...

بیماری طولانی مجال نداد تا چند سطری را در رثای بزرگ مردی از تبار مجاهدان و مهاجران نامدار کشور: استاد محمد عباس (مشفق) بنگارم و یادی بس کوتاه از دوران طولانی ودراز زندگی در کنار او را به تحریر آوردم...

متعلم صنف هشتم لیسهٔ روشان بودم و با نهضت اسلامی افغانستان آشنا شده و اطلاع یافتم که استاد محمد عباس محصل صنف سوم دیپارتمنت دری پوهنحی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل است و روز ها و هفته ها برای فراغت او و آمدن به لغمان و استاد شدن در لیسهٔ روشان لحظه شماری می کردیم تا سعادت شاگردی او را نصیب شویم...

در سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۴ مدت سه سال شاگرد او بودیم، آن سه سال قصه ها و گفتنی های زیادی دارد...

• ماموریت:

استاد محمد عباس مشفق در اولین ماموریتش به حیث استاد مضمون دری در لیسهٔ روشان مقرر یافته بود و همگان (استاد و شاگردان) او را به حیث رهبر جوانان مسلمان یا اخوانی ها می شناختند و دوستان همه با او دوست و همکار بودند...

استاد مشفق به حیث استاد دانشمند و مقتدر دارای وجههٔ بسیار خوب در سطح استادان و شاگردانی بود و این وجاهت و اعتبار، نقش مثبتی در شخصیت و رهبری او داشت و به عزت و سر بلندی نهضت اسلامی افزوده بود. استاد بعد ها در کند هار، در گردیز و کندز پس از عملیات مسلحانهٔ ۵۴ جبراً تبدیل شد.

• رهبری نهضت در لغمان:

با به قدرت رسیدن سردار محمد داوود خان، شرایط مبارزهٔ مخفی بر جمعیت اسلامی افغانستان تحمیل گردید و در یک سفر مخفیانه، شهید مولوی حبیب الرحمن در جمع کوچکی از برادران، استاد محمد عباس مشفق را به حیث امیر جمعیت در لغمان انتخاب کرد...

• عملیات مسلحانهٔ سال ۱۳۵۴:

همه می دانیم که در ۵ اسد ۱۳۵۴ عملیات مسلحانه در چند ساحه و من جمله در مرکز، ولایت لغمان صورت گرفت، این عملیات و چگونگی آن با بنده مطرح نشده بود (به دلیل سفر به ولسوالی نهرین) و یک یا دو روز قبل از عملیات به لغمان آمده بودم، با استاد مشفق مطرح شده بود و ایشان با چگونگی و طرز آن از دل موافق نبودند و مشکلات آن را بیان داشته بودند... تابستان ۱۳۵۵ به دیدار یک عده از برادران که تازه از سلول انفرادی به جمع دیگران آمده بودند، در زندان دهمزنگ رفته و با تعدادی از ایشان ملاقات کردم. انجنیر محمد امان، محمد نسیم خالص، شیر علی خان، استاد سیاف، صاحب حق صاحب (مولوی عبد الغنی و شهید داکتر عبدالشکور).

شهید داکتر عبدالشکور در حالی که مولوی محمد عالم پدر قاری محمد معصوم هم حاضر بود، در مورد چگونگی عملیات سال گذشته با ناراحتی و خشم پرسید که: استاد محمد عباس و خودت مسؤول لغمان بودید، چرا به چنین عملیاتی اجازه دادید؟ من در جواب گفتم که برادران مسلح از قبل آمده و ضرورتی به مشوره نبود و ما را کسی با خبر نساخته است! داکتر گفت: در خانهٔ ما جز عبدالغفور لالا کسی نبود و من در زندان داوود خان هستم و چند خانم و اطفال کوچک در خانه داریم که باید یک نفر از ایشان سرپرستی می کرد، آیا لازم نبود تا عبدالغفور لالا را اجازه نمی دادید؟ من گفتم که همه مسایل در غیاب فیصله شده و عملی گردیده است و من همه مدت ۲۲ روز زندانی بودم و از اصل ماجرا، اطلاع دقیق ندارم...

• معاونیت کمیتهٔ دعوت و تنظیم:

استاد در اواسط سال ۱۳۵۷ به پاکستان مهاجر شدند و به جمع ما پیوستند. در زمستان ۱۳۵۷ پس از یک ماجرایی، جمعی از لغمانی ها و بدخشی ها و دیگران از حزب اسلامی به جمعیت اسلامی رفتیم و استاد در کنار ما بود... در جمعیت اسلامی، پست معاونیت کمیتهٔ دعوت و تنظیم به ایشان سپرده شد و این ماموریت را تا تشکیل حکومت مجاهدین در ۱۳۷۱ ادامه دادند... گفتنی است که برادران و افراد زیادی از ما دارای توان و استعداد کار اند و برای پست های متعدد کاندیدا می باشند ولی استاد مشفق هرگز برای هیچ ماموریتی، تمایل و علاقه نداشت و می گفت: من خود را بهتر از شما می شناسم... این ماموریت بر ایشان تحمیل گردیده بود... در حکومت اسلامی مجاهدین نیز هرگز برای هیچ ماموریتی دست و پا نزد و تا روز وفات، از همه مسؤولیت ها کناره گرفت....

• آموزش در موسسهٔ بلجیم:

استاد بقیه سال ها را به حیث آموزش دهنده در بخش تربیهٔ معلم موسسهٔ بلجیم (A.S.B) سپری نمود و در ولایات مختلف کشور صد ها معلم را آموزش داد. در این سال های خدمت که من در ایران (قونسلگری افغانستان در مشهد) یک مدت طولانی ماموریت داشتم، بار ها حضوری و تیلفونی خواهش می کردم تا برای یک مدت کوتاه به ایران بیاید و به حیث استاد مضمون دری، یگانه کشور فارسی زبان دنیا (به صورت رسمی) را از نزدیک ببیند...

• عضو شورای عالی جمعیت اسلامی:

از یکسال به این طرف که جریان آمادگی برای برگزاری کنگرهٔ جمعیت اسلامی افغانستان ادامه دارد، لست جدید اعضای شورای عالی جمعیت اسلامی را تهیه کردیم و نام استاد محمد عباس مشفق در اول نام اعضای جمعیت اسلامی در لغمان بود و مقام رهبری جمعیت اسلامی نیز آن را پذیرفت و مانند همیشه تاکید کرد که استاد مشفق باید سهم شایسته در تشکیلات ما داشته باشد...

• نوسازی دفتر جمعیت اسلامی در لغمان:

به اطلاع برادران رسید، استاد مشفق با ناراحتی پرسیدند که چرا در این موضوع مشوره نشده است؟

من در پاسخ گفتم که این تصمیم خود برادران لغمان است و من هم مانند شما از تصمیم اتخاذ شده آگاهی یافته ام... در این روز ها که موضوع تجدید نظر کلی دفاتر جمعیت اسلامی مطرح بحث بود، تصمیم داشتیم که با همه برادران و به خصوص استاد مشفق، موضوع را در میان بگذاریم که اجل این مهلت را از ما گرفت.

• استادی در پوهنتون دعوت:

با آغاز دیپارتمنت ژورنالیزم در تشکیل پوهنحی زبان ها و ژورنالیزم در پوهنتون دعوت، من با تعدادی از برادران به این فکر افتادیم که استاد مشفق را به این پوهنتون که ادامه دهندهٔ راه پوهنتون دعوت و جهاد است، دعوت نماییم و بعد در اثر توجه استادان محمد جنید ظهیر و ..؟ استاد مشفق آماده شد که به پوهنتون بیاید استاد به این نظر بود که الحمد الله فرزندانش متکفل مَصارف خانه اند و او فقط برای ادامهٔ راه آموزش به نسل جوان کشور به پوهنتون خواهد آمد و این فرصت را نیز زمان از ما گرفت...

• خانهٔ کرایی:

در روز اقامهٔ جنازه، یکتن از دوستان او فقط یک جمله را با صدای بلند به زبان آورد: این است استاد مشفق از بزرگان مجاهدان که امروز حتی یک وجب خاک را در کابل از خود ندارد و در خانهٔ کرایی به سر می برد!

• یادی از یاد ها:

در مورد دوران طولانی زندگی در کنار وجوار استاد مشفق، خاطرات بسیاری نهفته است که اینک به دور از سیاست ها، روی آن تکیه می شود:

ای که سوزی در دل دلسوزی تراهم در سر است
صفحهٔ تاریک دل از فیض علمت انور است
صاحب عزو فضیلت ای گرامی مرشدم
ای که نامت نام عم حضرت پیغمبر است

***

نمیدانم که استادت بخوانم یا برادر
و یا دوست عزیز با جان برابر
من این وصف محبت کی توانم
که او صافت یکی بهتر ز دیگر.

روحش شاد و یادش گرامی باد!

افغانستان در چنبرهٔ ...

دیگر خشونت های مسلحانه در بخش هایی از افغانستان، اجرای برنامه های امداد رسانی را در این کشور دشوار نموده است.

به گزارش موسسات بین المللی یک سوم مردم افغانستان در فقر زندگی می کنند که تدوام خشونت، جنگ و حوادث غیر طبیعی همه ساله به این تعداد افزوده است؛ هر چند تعداد دقیق معلولین، معیوبین و زنان بیوه در کشور وجود ندارد، اما ارقام تخمینی دفتر سازمان ملل متحد در کابل تعداد زنان بیوه را در حدود دو و میلیون رقم می زند. تدوام خشونت های سیاسی و اجتماعی که عوامل اساسی و کشندهٔ ارزش های انسانی است از سه دهه بدینسو این کشور را در خود در نوردیده است. عوامل جنگ و بی ثباتی همه ساله نه تنها جلو معیوب را در کشور نمی گیرد، بلکه به کمیت آن می افزاید. همین اکنون در کشور افسردگی از جنگ وجود دارد، ویرانگری و کنش های تند اجتماعی کماکان ادامه دارد. میراث معلول و معیوب میراث چند حاکمیت و چند نظام سیاسی در کشور است، زیرا تبعات جنگ و اضطرار سیاسی موجب گردیده است تا به میزان معلول و معیوب، بیکار و فقیر در کشور افزایش یابد؛ طوری که همه روزه نان آوران خانواده ها از بین می روند و تعداد زنان بیوه بیشتر می گردد و نظام های خانوادگی از هم فرومی پاشد؛ اما مشکل معلول و معیوب نسبت به سایر دشواری ها در افغانستان قابل درک می باشد. یک و یا چند وزارت قادر نیست، تا به مشکل این همه معلول و معیوب کشور رسیدگی نماید، این کار به یک استراتیژی ملی و بین المللی نیاز دارد، باید در سطح دولت یک بودیجه کلان در جهت بهبود زمینه های اشتغال و توانبخشی این قشر محروم در نظر گرفته شود.

از سوی دیگر از وظایف جامعهٔ جهانی، دولت و نیروهای داخلی و خارجی است تا در جهت بستر سازی صلح و تفاهم کار بیشتر انجام دهند، تا زمانی که جامعه در بستر آرام و طبیعی خود باز گشت ننماید، بدون شک به تعداد معلول و معیوب و بیکار در جامعه افزوده خواهد شد. جنگ و خشونت ادامه دهندهٔ فقر، بیکاری و پائین آورنده ارزش های جامعهٔ شهروندی و مدنی در کشور می باشد. یک چنین مشکل در افغانستان در شرایطی جامعه را تهدید می نماید که هیچ نوع افق روشن در جهت صلح و ثبات سیاسی وجود ندارد. هر روز به این دشواری ها افزوده می شود و بحران معلول و معیوب و فقر گسترده، نزدیک است از کنترول کشور و زمامداران آن خارج گردد.

«مجاهد» این صفحه را به جوانان و محصلان اختصاص داده است تا زمینهٔ تحقیق و شگوفایی استعداد های شان بیشتر فراهم و نوشته های شان جهت نشر در آن فرستاده شود. «اداره»

نظام اقتصاد اسلامی و مقایسهٔ آن با دیگرنظام های اقتصادی

زمان الدین احمدی

در ساحات مختلف اجتماعی و اقتصادی اسلام یک چوکات را برای مسلمانان تعیین نموده است که در داخل آن مسلمانان آزاد اند و فعالیت های اجتماعی و اقتصادی خود را به پیش ببرند. دریافت روابط بین پدیده های اقتصادی و نظم و نسق بخشیدن فعالیت های اقتصادی، تضمین رشد اقتصادی درجامعهٔ اسلامی وظیفهٔ مسلمانان می باشد.

بر مسلمانان است که مطابق به عصر و زمان و ایجابات تخنیکی فعالیت های خود را عیارسازند، دین به مسلمانان اجازه می دهد تا در ساحات وسیع تطبیقات و تحقیقات علمی نمایند.

نظام اقتصادی یک شکل تحقق یافتهٔ اقتصادی است که درآن (خانواده ها،تصدی ها، مؤسسات پولی و دولتی) فعالیت های خود را تنظیم نموده و به پیش ببرند.

اینکه چرا به نظام اقتصادی ضرورت احساس می شود، باید اولاً، دیده شودکه چه واقعیت ها در اقتصاد وجود دارد.

در هر جامعه وکشوری سه واقعیت وجود دارد و آن این که، امتعهٔ کمیاب است و عدم تناسب بین احتیاجات اقتصادی لامحدود، و امتعهٔ محدود وجود دارد. برای اینکه حد اکثراحتیاجات را مرفوع ساخت باید شاخص تولید را در جامعه بالا برد.

امروز در هرجامعه تقسیم کار وجود دارد. چون تقسیم کار به این مفهوم است که هرگروپ از اشخاص خود را معطوف به تولید امتعه و عرضهٔ خدمات معین می دارند. بناءً تقسیم کار باعث ایجاد تبادلهٔ امتعه تولید شده و خدمات عرضه شده در بازار می گردد.

بر سر راه بازار اقتصاد چالش هایی هم وجود دارد که مدیران خبره می توانند با مدل سازی ها از گردونه های آن موفقانه عبور نمایند. این چالش ها عبارت اند، از رهنمایی و اداره که پرابلم انسجام را هم در بردارد و پرابلم تداوم فعالیت، پرابلم رهنمایی و اداره باید به این سوال جواب بگویدکه چه تولید شود، به چه مقدار تولید شود، چطورتولید شود و برای کی تولید شود؟ چالش انسجام به این سوال سروکار داردکه فعالیت های اقتصادی چطور منسجم ساخته شود و تداوم فعالیت های اقتصادی در یک جامعه چطور صورت گرفته می تواند تا از سکتگی ها جلوگیری به عمل آید و عملیهٔ تولیدی در اقتصاد متداوم و همراه با رشد منتفع باشد.

برای جواب به حل مشکلات و پرابلم های اقتصادی، نظام های اقتصادی ظهورنموده است.

- ✓ نظام اقتصادی بازارآزاد
- ✓ نظام اقتصاد پلان مرکزی
- ✓ نظام اقتصادی مختلط

دراین جا دو نظام افراطی (نظام اقتصادی بازارآزاد و نظام اقتصادی پلان مرکزی)که در تیوری قابل بحث بوده و درعمل صد درصد قابل تطبیق نیستند این دو نظام از چهار نکتهٔ نظر از هم تفکیک می شوند.

تصمیم گیرنده در اقتصاد بازارآزاد خانواده ها و تصدی ها می باشد، اما در نظام پلان مرکزی، دولت ها تصمیم گیرنده می باشد.

انسجام دهندهٔ فعالیت های اقتصادی در نظام اقتصادی بازارآزاد، بازار و قیمت بوده و در نظام اقتصاد پلان مرکزی، پلان طرح شده مرکزی می باشد. تداوم فعالیت های اقتصادی در بازارآزاد، ذریعهٔ رقابت، مفاد به وجود می آید ولی درنظام اقتصاد پلان مرکزی اعطای جوایز مدال ها می باشد. مالکیت عوامل تولید، در اقتصادی بازارآزاد، مالکیت انفرادی است اما در نظام اقتصادی پلان مرکزی مالکیت دولتی و دسته جمعی می باشد.

طوری که دیده می شود نظام اقتصادی پلان مرکزی صد درصد قابل تطبیق نیست چون اگر ما نظام اقتصادی پلان مرکزی را در شوروی سابق و بلاک شرق مطالعه کنیم دیده می شودکه به شکست مواجه شده و امروز صرف درکیوبا وکوریای شمالی و چین تا اندازه ای مورد تطبیق قرارمی گیرد.

نظام اقتصاد بازارآزاد هم صددرصد قابل تطبق نیست چون در چندین ساحه اقتصاد نمی تواند فعالیت موثر داشته باشدکه آن ساحات اقتصادی قرار ذیل است:

عدم مداخلهٔ دولت در ایجاد یک نظام حقوقی باعث ایجاد انحصار در بازارمی گردد،آزادی و تضمین قراردادها حفظ شده نمی تواند.

عدم مداخلهٔ دولت در ایجاد یک نظام اجتماعی باعث توزیع غیر عادلانهٔ عاید گردیده و اشخاصی که به اثرکهولت، معیوبیت، یتیم و بیوه بودن نمی توانند کارکنند متضرر می شوند. طوری که در افغانستان دیده می شود اشخاصی که توان کار را ندارند دست به گدایی می زنند و دولت اسلامی افغانستان منحیث یک کشور اسلامی هیچ نوع توجه و یا کمک به این اشخاص ندارند، به بهانهٔ اینکه در قانون اساسی کشور نظام اقتصاد بازارآزاد به تصویب رسیده است، مداخله در امور اقتصادی نمی کند.

آزاد گذاشتن بازار برای تولیدات امتعه زیر بنایی ،تولیدات و محصولات زراعتی و بازارکار، نتایج مطلوب ندارد و به ضرر اجتماع تمام می شود.

نوسانات اقتصادی بدون کاربرد سیاست های معقول اقتصادی ذریعهٔ آزاد گذاشتن بازار به ضرر اجتماع تمام خواهد شد. به همین لحاظ است که در عمل نظام اقتصادی بازار آزاد (که عدم مداخله دولت را خواهان است) قابل تطبیق نیست.

پس در این جا نظام اقتصاد مختلط درعمل قابل تطبیق است که در بین دو نظام افراطی قرارمی گیرد و نظام اقتصاد اسلامی را می توان در نظام اقتصاد مختلط جستجوکرد.

دراین نظام ۵۰٪ مداخلهٔ دولت و۵۰٪ فعالیت های خانواده ها وتصدی ها رول عمده را بازی می کند.

چون کمیابی امتعه و سطح بالای احتیاجات انسان ها هستهٔ علم اقتصاد را تشکیل می دهد و این رفع احتیاجات باید همراه با سعی وکوشش باشد، تا در احتیاجات اقتصادی کاهش به عمل آید. طوری که قرآن کریم درسورهٔ النجم آیهٔ ۳۹ تأکید می کندکه، برای انسان هیچ چیز نمی رسد مگر به اساس سعی و تلاشی که انجام می دهد.

دین اسلام چون دین اوسط و اعتدال است و میانه روی را درهمه چیز می پسندد، بناءً مراعات اعتدال و میانه روی باید در بین فعالیت ها وکوشش های انسان در رفع احتیاجات زندگی دنیوی و رسیدن به مدارج عالی معنوی و اخروی هم مدنظر باشد.

طوری که دربالا گفته آمدیم نظام اقتصادی اسلامی یک نمونه یی از اقتصاد مختلط است .عملاً درکشورهای جهان نظام اقتصاد مختلط قابل تطبیق است و هرکشور نظربه شرایط ملی و بین المللی درجه های مختلف آزادی های فردی را درساحهٔ اقتصاد مراعات نموده و به درجه های متفاوت در طرح پلان اقتصادی دولت اقدام می نمایند.

اسلام درساحهٔ اقتصادی مانند سایر ساحات زندگی به مسلمانان چوکاتی را تعیین نموده که درآن حد مسلمانان آزاد اند و فعالیت های اقتصادی خود را نظم و نسق بدهند. بناءً استفاده از مزایایی نظام های اقتصادی بازارآزاد و پلان مرکزی در اسلام جواز دارد مشروط براینکه از حدود معینه تجاوز نکند.

میزهٔ خاص نظام اقتصاد اسلامی، منع ربح (سود) درمقابل سرمایهٔ پولی است. اسلام خوردن مال یکدیگر را به فریب و دغل و از طریق قمار حرام قرارداده است درحالی که مفاد تجارت (فعالیت های اقتصادی) درصورتی که رضایت طرفین باشد را حلال می داند.

انسجام دهندهٔ فعالیت در اقتصاد اسلامی توسط قیمت صورت می گیرد. اما مداخلات دولت در قسمت منع احتکار و تخریب رقابت آزاد مجاز بوده و هم افراد و اشخاص وجداناً و ایماناً مکلف اند، تا در فعالیت های اقتصادی صرف به منافع شخصی خود فکرنموده، بلکه منافع اجتماع راهم درنظرگیرند.

با وجودی که ۹۹٪ مردم ما مسلمان هستند اما امروز در فعالیت های اقتصادی شان تقلب، فریب و دروغ به اوج خود رسیده است.

عدالت وابسته به آزادی است

نرگس جویا دانشجوی دانشکدهٔ ژورنالیزم دانشگاه کابل

این حرف کاملاً درستی است هرجاکه عدالت است آن جا آزادی نیز وجود دارد. در واقع دموکراسی مردم سالار، چهرهٔ سیاسی عدالت است. عدالت چندین چهره دارد؛ یک چهرهٔ اقتصادی، یک چهرهٔ قضایی و یکی هم چهره سیاسی. البته یک چهرهٔ درونی هم دارد، یعنی اعتدال در درون نفس؛ همان که علماء بیشترین تاکید را بر آن داشتند. به تعبیر ساده‌تر ما هم آزادی درونی لازم داریم، هم آزادی بیرونی. این که مولانا می‌گفت:

ای شهان کشتیم ما خصم برون
هست خصمی زان بتر اندر درون

برای تحصیل عدالت در درون، گذشتگان معتقد بودند اگر حاکم عادل باشد، این عدالت را بر جامعه و یکا یک افرادش بسط می‌دهد و آنها را هم مشمول و قرین عدالت می‌کند، اما هم تئوری‌های عدالت شناسانه در دو سه قرن اخیر و هم عمل سیاسی حاکمان اعم از عادلان و ظالمان نشان داده که به این مقدار نمی‌توان اکتفا کرد که فقط حاکم عادل باشد. باید به دنبال شیوهٔ دیگری باشیم که این شیوه همان بود که نامش، دموکراسی شد. آمدند و گفتند تفکیک قوا صورت بگیرد، قوهٔ قضایی نیرومندی باشد، رأی مردم در انتخاب حاکمان دخیل باشد و آن طور که گفته‌اند دموکراسی در سه قدم خلاصه می‌شود: نصب حاکمان، نقد حاکمان و عزل حاکمان. این سه قدم وقتی که به دست مردم انجام شد، آن گاه می‌توانیم بگوییم که ما عدالت داریم. مردم برای این که بتوانند انتخاب کنند، باید آزاد باشند. برای این که نقد کنند باید آزاد باشند. برای این که بتوانند عزل کنند، باید آزاد باشند.

آدمیان در بند، نه می‌توانند این کار را بکنند. انسان‌هایی که مختارند، آزاد هستند می توانند از اختیارشان بهره برداری کنند و عقل خودشان را به کار ببرند و در یک قرار داد اجتماعی کسی می توانند نصب کنند و هم عزل. در این صورت عدالت و آزادی به هم گره می‌خورند.

قابل یاد آوری است که آزادی زیرمجموعهٔ عدالت است. اگر عدالت تحقق یابد، آزادی هم محقق می شود، چون آزادی از اجزای عدالت است، اصلاً آزادی جلو و رو به روی عدالت قرار نمی‌گیرد، که بعضی‌ها قرار داده‌اند. این تلقی واقعاً تلقی باطلی است. آزادی از اجزای عدالت است. بدون آزادی عدالت محقق نیست و با تحقق تام عدالت، آزادی حتماً محقق خواهد شد. عدالت یکی از تعریف‌هایش این است که همه حقوق را ایفا کنیم، یکی از حقوق هم آزادی است.

پوهندوی عبدالعلی کوهی

افغانستان در چنبرۀ بحران معلولیت



افغانستان بلندترین رقم معلول و معیوب را نظر به کمیت نفوس خویش در سطح جهان، برای خود جا داد است؛ هر چند آماردقیقی از تعداد معلولین و معیوبین در اختیار دولت قرار ندارد؛ اما طبق ارزیابی هایی که توسط موسسات مختلف تا اکنون انجام شده است، در حدود ۲،۷ در صد از مردم افغانستان را معلولین می سازد. این ارقام در حدود ۸۰۰ هزار نفر می گردد. همین اکنون گفته شده است که در حدود ۷۰ هزار معلول و معیوب در وزارت کار و امور اجتماعی شهداء و معلولین ثبت می باشد. این وزارت قادر نیست به این تعداد از معلولین که در این وزارت ثبت و راجستر گردیده است، یک مستمری مناسب تدارک ببینند.

در این اواخر قانون معلولین و معیوبین از سوی پارلمان کشور توشیح و نشر گردیده است، امید است که این قانون بتواند در جهت بهبود زندگی معلولین کمک نماید و در مورد کار، اشتغال و معاشات آنها مفید واقع گردد. گفته می شود که از سوی ریاست جمهوری به وزارت های مالیه، کار و امور اجتماعی و دیگر وزارت های ذیربط هدایت داده شده است، تا به صورت مستمر جلسات خود را در خصوص جستجوی راه های بهتر زندگی معلول و معیوب تدویر نمایند و راه بیرون رفت از مشکل معلول و معیوب و زمینه های توانبخشی آن ها جستجو گردد. آنچه وزارت های مختلف کشور می توانند در این راستا به طور عاجل عمل نمایند، این ها خواهد بود:

- کوشش به عمل آید که جامعۀ معلول و معیوب افغانستان عضویت کنوانسیون جهانی معلولین را به دست آورد.
- کمیت شهداء، معلولین و معیوبین در کشور ایجاب می کند، تا یک اداره مستقل، از وزارت کار و امور اجتماعی شهداء و معلولین ایجاد گردد، تا بر دشواری های معلولین به صورت درست و همه جانبه رسیدگی گردد.
- همه وزارت ها می توانند، نظر به خصوصیت کاری خویش، در خصوص توانبخشی معلولین و معیوبین کشور کارهای مفیدی را انجام دهند. به طور نمونه وزارت صحت عامه می تواند آنعده معلولینی که در داخل کشور تداوی نمی گردند، زمینه تداوی آن ها را در خارج از کشور مساعد گرداند؛ طوری که جمعیت هلال احمر افغانستان همه ساله تعدادی را به کمک مردمان صلح دوست کشور و از طریق فروش تکت های لاتری به خارج از کشور غرض تداوی می فرستند و تعدادی از اطفال معیوب، معروض با دشواری های قلبی را از این طریق تداوی می نماید، به همین صورت دهکدۀ صلح آلمان آنعده از اطفال مزمن را که در کشور قابل تداوی نیست، به آلمان غرض تداوی می فرستد و نظر به کمیت این قشر محروم این گونه کمک ها به هیچوجه در کشور بسنده نمی باشد.
- وزارت حج و اوقاف می تواند از طریق مساجد و تکایا به حقوق معیوبین و معلولین پرداخته، کمک و مساعدت هموطنان را برای آن ها جلب نماید و یا زمینه های استرحام و نوع دوستی را نسبت به معلول و معیوب در میان مردم زنده نگهدارد.
- وزارت معارف می تواند از طریق مکاتب، مدارس شاگردان را در زمینه حقوق معلول و معیوب آموزش دهد.
- موسسات تحصیلات خصوصی در کشور می توانند، در یک حرکت انسان دوستانه زمینه ادامه تحصیلات عالی را با تخفیف به این قشر محروم مساعد سازد.
- در صورتی که در مراکز مختلف ولایات ورکشاپ های مهارت های حرفه یی، مسلکی برای معیوب و معلول ایجاد گردد این مراکز می تواند به توانبخشی معلول و معیوب کمک نموده و زمینه های کاریابی را برای آن ها فراهم سازد.

در صورتی که به مشکل معلول و معیوب در کشور به صورت بنیادی توجه صورت نگیرد، در این کشور کاروان فقراء و گرسنگان افزوده خواهد شد. یک چنین ترکیب درشت از معلولین و معیوبین در شرایطی در افغانستان وجود دارد که کشور به سرزمین گرسنگان جهان تبدیل گردیده است و همه ساله به این کاروان علاوه می شود. تداوم جنگ و خشونت در حقیقت بر تداوم و افزایش معلول و معیوب در کشور منجر می گردد. چند عامل در افغانستان زمینه ساز فقر و بیکاری در کشور می گردد: موجودیت اعتیاد بیش از حد به مواد مخدر و مسکرات، موجودیت کمیت بزرگ از زنان بیوه که نان آوران خانواده های خود را در خشونت ها از دست داده اند، نزدیک به یک میلیون معلول و معیوب و هفت میلیون انسان فقیر و گرسنه، این کشور را به گرسنگان عالم تبدیل نموده است.

هیولای فقر در چنین بستر ها رشد و نمو می نماید، تا زمانی که این بستر ها در کشور از میان برداشته نشود این هیولا همه ساله تعدادی زیادی را خواهد بلعید. طبق آمار اخیر سازمان ملل متحد هفت میلیون انسان در این سرزمین از فقر رنج می برند و تعدادی از این ارقام در زیر خط فقر قرار دارند. موجودیت یک چنین ارقام بلند، از توان این حاکمیت به دور بوده، نبود شفافیت در توزیع کمک های بین المللی حتی جامعۀ جهانی را دچار واهمه ساخته است. از سوی

ص۵

فقر هیولای که ...

به گزارش مذکور واکنشی نشان نداده و در برابر این اعلامیه سکوت اختیار کرده است، این سکوت به مفهوم آن است که در واقع مردم افغانستان با چنین خطری رو برو اند.

پرسش اساسی این است که بعد از گذشت ده سال و سرا زیر شدن میلیارد ها دالر کمک های جامعۀ جهانی چرا مردم هنوز در برابر تهدید چنین هیولا قرار دارند وکدام عامل های عمده سبب شده است که مردم با گذشت این مدت هنوز هم با پدیدۀ فقر دست و پنجه نرم می کنند. دولت افغانستان جامعۀ جهانی را بار ها متهم کرده است که هشتاد در صد، پول های کمکی جامعۀ جهانی برای افغانستان از طریق مجرا ها ی مربوط به خارجی ها رسیده است که در بهبود وضعیت زندگی مردم تأثیر گذار نبوده است.

این مصارف شامل معاشات بلند، زندگی مجلل دیوانی و دستبرد، هنگام عقد قراردادها، با شرکت ها و انجو هایی که مورد نظر خود شان باشد، می باشند. چندی پیش مقامات دولت افغانستان ادعا نمود که میلیون ها دالر توسط خارجی ها دو باره از افغانستان به خارج انتقال داده شده است. در همین حال خارجی ها دولت افغانستان را یک دولت آغشته به فساد می دانند و اطمینان ندارند، در صورتی که پول ها از طریق بودجۀ ملی به مصرف برسد از دست برد مسوولان فساد پیشه در امان باشد. پتریوس فرمانده نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان در اظهاراتی فساد را جزء فرهنگ مردم افغانستان خوانده است.

عدم اعتماد بین دولت افغانستان و جامعۀ جهانی در نحوۀ مصرف هزینه های بیرونی روند توسعۀ پایدار را به بن بست رسانده روابط کابل و واشنگتن را همواره در حالت نوسان نگهداشته است.

کارشناسان مسایل افغانستان معتقد هستند که نبود برنامۀ مشترک و نزدیکی دیدگاه های جامعۀ جهانی با دولت افغانستان، سبب شده است که هم جنگ و هم ابعاد فقر در این کشور با گذشت هر روز فربه تر می شود.

در این میان تنها مردم بی چارۀ افغانستان هستند که بار تمام مصائب را بدوش می کشند و در میان دو سنگ آرد می شوند.

سیاست های چند گانۀ کشور های بیرونی که هر کدام بر مبنای منافع ملی خود عمل می کنند در واگرایی و بعضاً همگرایی با دولتمردان سودجوی کشور ، سرزمین افغانستان را به گودال جهنمی تبدیل نموده است.

تنها شهروند مستمند افغانستان، در این گودال می سوزد، پول های بادآورده در کام چند اژدها فرو می رود و اشباح فقر ۸۰ در صد مردم بی چارۀ ما را اسیر کرده است.

گاهی هم شده که مردم در برخی از مناطق اطفال شان را از بیم فقر وگرسنگی به فروش برسانند.

به اساس تحقیقاتی که از سوی یک نهاد غیر حکومتی چندی پیش در بدخشان انجام شد، تنها در ولسوالی های سرحدی یعنی زیباک، اشکاشم، و واخان پنجاه درصد کودکان این مناطق با سوء تغذی رو برو هستند و مردم از شدت فقر در این مناطق علف می خورند. در اثر خوردن حبه ای به نام "پێک" که ذاتاً خوراک حیوانات است، چندین نفر در این مناطق جان باختند

از سوی دیگر سوگ مندانه باید گفت، نسلی که باید درس بخواند وفردا های کشور را بسازند، از بیم گرسنگی درس و تعلیم را رها نموده راهی دیار کشورهای همسایه می شوند و روزانه شاهد ده ها مورد از این گونه رفت و برگشت ها هستیم.

متاسفانه با وصف ان که هم دولت افغانستان وهم جامعۀ جهانی می دانند که زندگی مردم در خطر است و هشدار می دهند که به مبالغ این چنینی در سال پیش رو نیاز است، اما نه در گذشته و نه برای آینده برای زدودن فقر و جلو گیری از مهاجرت ها هیچ برنامه ای ندارند.

امریکا په خپل بهرنی سیاست...

جرم دي؛ ځکه د ملگرو ملتونو د منشور د دوهمه او اوومه ماده په ډاگه کوي چې باید د هیوادونو ترمینځ اړیکې د حاکمیت پر برابری او متقابل احترام ولاړې وي او باید چې د هیوادونو په داخلي چارو کې لاسوهني صورت ونه نیسي او جوته ده چې د امریکا دغه هڅه د دوارو مادو د تحقق پر خلاف عمل دی.

څلورم: په تیره اونی کې زمونږ په هیواد کې د باگرام هوایي ډگر ته د اوباما راتگ او بیا د ولسمشر کرزي سره نه لیدنه او یوازې په تلفوني اړیکې بسنه کول او ورپسې یوه ورځ وروسته د انگلستان د صدراعظم د ((ډیوید کامرون)) کابل ته راتگ او له کرزي سره د اوږد مهالي همکاری وعده او په مطبوعاتی کنفرانس کې ورکول هم د امریکا او انگلستان د افغانستان د سیاست په هکله د پالیسو د اختلاف واتن په گوته کوي چې د امریکا په بهرني سیاست کې ددغه هیواد ناکامي په گوته کوي او کله چې گورې چې انگلستان له امریکا څخه د افغانستان سره په اړیکو ټینگولو کې وړاندې کیږی نو د دفاع وزیر رابر گیتس د کامرون په تعقیب راځي او د اوباما لخوا د ناکامي پالیسي تشه ډکوي : ولسمشر کرزي ته هماغسې وعدې او ډاډ ورکوي لکه چې کامرون ورکړي وو .

پنځم: همدارنگه د شمالي کوریا هیواد پر خلاف د امریکا ډنډورې هغه څه دي چې د امریکا ناکامي په گوته کوي ولې چې دغه هیواد یې ونشو کړای کنترول کړي او نن د امریکاد ناکامو پالیسو لامله نه یوازې دا چې دغه هیواد د اتومي خواك خاوند شو بلکې د نړی له ټولو لوی واټن وهونکو توغندیو د جوړولو توان لري او امریکا لکه څنگه چې ددغه هیواد د خپل سریو مخنیوی یې ونکړای شو بلکې د هغې سترگی یې نورې هم سرې کړي او کولای شي چې اوس هر وخت د نړی لپاره گواښ پېښ کړي

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن شریف

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و یکم ۲۰ قوس ۱۳۸۹ ٤ محرم ۱٤۳۱ - 11 December 2010

فقر، هیولایی که طی نه سال مهار نشد

عنایت



مقام های سازمان ملل متحد در کابل اعلام نمودند که برای رویا رویی با تهدید گرسنگی و کمک به مردم نیازمند، در سال ۲۰۱۱ میلادی، به ۶۸۰ میلیون دالر نیاز است.

این نهاد بین المللی ادعا دارد اگر مقدار پول متذکره در اختیار مردم افغانستان قرار نگیرد، زندگی میلیون ها نفر در این کشور با خطر روبرو می شود.

بدون شک این گزارش، برای کسوری که ۳۶ درصد مردم آن زیر خط فقر زندگی می کنند و با گذشت هر روز شاهد حوادث ناگوار هستند، خبر ناخوشایند و تکان دهند می باشد.

در این گزارش ادامهٔ جنگ و حوادث طبیعی، از عوامل اصلی افزایش فقر و گرسنگی در افغانستان خوانده شده است.

سازمان ملل متحد با انتشار این اعلامیه گفته است که بیش از هفت میلیون نفر در افغانستان با کمبود غذا رو برو هستند و همزمان، از هر پنج کودک، یکی آنها قبل از رسیدن به سن پنج سالگی تلف می شود.

خانم کاترین براگ، از مسوولان کمک های فوری سازمان ملل متحدگفته است، افغانستان برای برون رفت از این وضعیت، به کمک های فوری جهان نیاز دارد.

حکومت افغانستان منحیث پاسخگوی اصلی، برای مردم ص۷

تلاش های مشترک چهار کشور در امر مبارزه با مواد مخدر



افغانستان، پاکستان تاجیکستان و روسیه موافقه کردند که تلاش ها را در زمینهٔ مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر در افغانستان هماهگ سازند.

مقامات رسمی چهار کشور روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته در ماسکو موافقه نمودند که برای جلوگیری مواد مخدر باید تلاش های مشترک صورت بگیرد.

رئیس ادارهٔ مبارزه با مواد مخدر روسیه ویکتور ایوانوف به همتایان افغانستانی، پاکستانی و جیکستانی اش گفت: کشور های همسایه که با تهدید مواد مخدر مواجه هستند توانایی آن را دارند که مبارزه خود را علیه این تهدید جهانی تقویت نمایند.

روسیه بزرگترین مصرف کنندهٔ هروئین در جهان می باشد و این کشور ۲ میلیون معتاد دارد. به گفتهٔ مقامات بین المللی امور صحی ویروس اچ، آی، وی ایدز هم در این کشور به شکل وسیع گسترش یافته، از طریق سوزن های ناپاک و استفاده مواد مخدر به یک مرض فراگیر تبدیل شده است. به گفتهٔ ایوانوف هروئین افغانستان که حدود ۹۰ فیصد تریاک دنیا را تولید می کند، از سرحدات آن کشور به جمهوری تاجیکستان، از آن جا به قرغزستان و قزاقستان و در نهایت در بازارهای روسیه عرضه می شود.

چندی پیش رئیس جمهور روسیه دیمتری میدویدف هروئین افغانستان را که مقدار تجارت سالانه آن در حدود ۶۵ میلیارد دالر تخمین می شود، یک تهدید جدی به امنیت ملی کشورش محسوب دانست در این اواخر روابط افغانستان با روسیه بهبود یافته و رئیس جمهور کرزی قصد دارد در زمینه های مختلف با این کشور همکاری نماید. در مقابل از روسیه انتظار دارد افغانستان را در بخش های مختلف کمک و همکاری نماید.

قابل یاد آوری است که عملیات مشترک روسیه و امریکا برضد مواد مخدر در افغانستان یک ماه پیش انجام شد که در جریان آن چهار لابراتوار و تقریباً یک تن هیروئین از بین برده شد.

امریکا په خپل بهرني سیاست کې له ماتې سره مخ ده

*** رفیق بحر ***

د سپتمبر له یوولسمي نېټې راهیسې چې امریکا کومې پالیسۍ غوره کړې وي او دنیا یې له ځانه سره روانه کړې وه، په هغو کې د دوه مخۍ له مخې اوس امریکا له ماتې سره مخ ده: چې د هغې بېلګې اوس په نړۍ کې د امریکا خبرو ته د هیوادونو غوږ نه اېښودنه ده. که څه هم د امریکا هیواد په خپلو تیرو ولسمشریزو ټاکنو کې ددې هڅه وکړه چې لومړی ځل لپاره د یو تور پوستي ولسمشر په ټاکل کېدو سره به خپل بایللی اعتبار، او په ځانګړې توګه په اسلامي هیوادونو کې خپل اعتماد را ژوندی کړي خو دغه هیواد ونشو کړای چې خپل بهرنی سیاست په بریالیتوب سره پرمخ یوسي چې په لاندې څو کرښو کې ددغه هیواد د بهرني سیاست د ناکامۍ دلایل وړاندې کوو :

لومړي: د طالبانو د رژیم له ړنګیدو وروسته د امریکا حکومت ددې پرځای چې پر پاکو مجاهدینو باور وکړي. له لویدیځ څخه راغلو څېرو باندې یې باور وکړ او کله چې هغوی وسو کړې چې : د افغانستان سیاسي وضع د بېه والي په لور وباسي او حالات ترې له یوې ورځې څخه بلې ته خراب شو.

دوهم: په منځني ختیځ کې د فلسطین په تاریخي ربړه کې چې همیش امریکا د اسرائیلو پلویتوب کړي او د حق پرځای د اسرائیلو د غاصب رژیم طرفداري خپله کړیده دغه ستونزه تر اوسه یې ونشو کړای حل کړي. یا د حل په لورې نږدې کړي: ځکه د امریکا دوه مخې پالیسۍ اسرائیل دومره زړه ورکړي دي چې اوس د ټولې نړۍ او په ځانګړې توګه د امریکا هغه غوښتنه نه مني چې له مخې یې باید اسرائیلی دولت په فلسطیني سیمو کې د نوو آبادیو لړۍ پریږدي کوم کار چې د فلسطیني ستونزی د حل په لیار کې ستر خنډ دی او پدې لړکې د امریکا د ناکامي او دوه مخې پالیسۍ ثبوت دادی چې پدې وروستېو کې د لاتینی امریکا دوه و هیوادونو هر یو برازیل او ارجنتاین د فلسطین دولس حقانیت درك کړ او د فلسطین هیواد یې په رسمیت وپېژانده او ډیر ژر به د بولویا. یوروګواې او ځینې نور هیوادونه هم دا حقیقت درك کړي او د ارجنتاین او برازیل په قدمونو به قدم کښیږدي.

دریم: همدارنګه د ویکي لیکس د اسنادو خپراوی که څه هم پدې هکله په پوره ډاډ نشو ویلای چې آیا دغه کار د امریکې په ګټه توطیه ده او که پر خلاف یې خو د ډیرو هیوادونو پر هکله د امریکا له دوه مخۍ څخه پرده پورته کوي او دغه هیواد د نورو هیوادونو په وړاندې بې باوره ثابتوي : د مثال په توګه د ملګروملتونو په دفتر کې د هیوادونو د نمایندګانو د کمپیوترونو د پاس وردونو غوښتنه چې ددې هیواد د بهرنیو چارو وزیرې له خپلو مامورینو څخه کړې وه. هغه څه دي چې د امریکا پر هر هیواد باندې د شك خرګندونه کوي. پداسې حال کې چې دغه کار د نړیوالو نورمونو او میثاقونو له مخې یو غټ ۷مخ